

سبک‌شناسی در ویرایش متون معاصر

یدالله شکری¹، محبوبه حاجی‌آقائی²

1-استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان

2-کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان

چکیده

«زبان» نظام بسیار گسترده‌ای است که از ساخت‌های گوناگونی، چون واژه، عبارت، گروه و ... تشکیل شده‌است. این ساخت‌ها امکان تولید ساختارها و انواع گوناگون نثر را فراهم می‌آورد. بررسی این ساختارها و شیوه کاربرد زبان در گونه‌های متفاوت نثر، دانش «سبک‌شناسی» را شکل می‌دهد که شناخت و آگاهی از آن در ویرایش آثار اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا هر یک از این ساختارها ویرایش خاصی را می‌طلبد. به عبارتی، ویرایش در هر اثری بسته به سبک شخصی مؤلف و سبک عمومی اثر متفاوت است. این پژوهش به دنبال بررسی اهمیت دانش سبک‌شناسی در متون معاصر و حدود اختیارات ویراستار در ویرایش آثار مختلف بر اساس حوزه محتوایی اثر است؛ زیرا مؤلف هر نوع اثری افزون بر اینکه متأثر از سبک دوره است، سبک فردی خود را دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، ویرایش هر ساختار و اثری متناسب با محتوا و شیوه نویسنده متفاوت است و با ادبی‌تر شدن متن و استفاده نویسنده از سبک شخصی اختیارات ویراستار کمتر و با علمی‌تر شدن آن اختیارات ویراستار و ضرورت ویرایش بیشتر می‌شود؛ لذا شناخت دانش سبک لازمه ویرایش هر اثری است و ویراستاران باید به آن توجه کنند.

کلید واژه‌ها: سبک عمومی، سبک شخصی، ویرایش، انواع نثر.

مقدمه

«سبک» به معنای گزینش آگاهانه یا ناآگاهانه از ساختارهای متعدد زبان است؛ چرا که زبان نظام بسیار گسترده‌ای است و از ساخت‌های گوناگونی چون واژه، عبارت، گروه و ... تشکیل می‌شود که امکان تولید ساختارهای متفاوت را فراهم می‌آورد. بنابراین، هر نویسنده‌ای می‌تواند برای بیان یک محتوا ساختارهای گوناگونی را برگزیند که گزینش این ساختارها، سبک نویسنده را شکل می‌دهد. به عبارتی، دانش سبک‌شناسی روش و طرز نحوه بیان است که برای متون منظوم و منثور کاربرد دارد. از منظر این دانش، زبان معیار درجه صفر گفتار و نوشتار است که بین همگان متداول است و هر گونه عدول از این درجه بر اساس معیارهایی سبک مؤلف را شکل می‌دهد. این زبان معیار همان سبک دوره است که در ویرایش آثار باید افزون بر سبک شخصی به آن توجه داشت. ویرایش «پیراستن نوشته از نارسایی‌ها و خطاهای علمی یا زبانی و تنظیم مباحث آن بر حسب مبانی منطقی و اصلاح خطاهای واژگانی و دستوری بر اساس معیارهای زبان است» (ارژنگ، 1389: 13) که انواع گوناگونی دارد، از جمله ویرایش فنی، ویرایش زبانی و ویرایش محتوایی. آنچه در ویرایش فنی مطرح می‌شود، در ویراستاری همه متون به کار می‌رود و لازم است کالبد اثر از نظر رسم‌الخط، شیوه املا، پاراگراف‌بندی، کنترل قلم حروف و درستی ارجاعات اصلاح شود؛ اما آنچه در ویرایش زبانی بررسی می‌شود، عبارت است از: 1— رفع خطاهای دستوری، ساختاری و جمله‌بندی؛ 2— اصلاح انحراف از زبان معیار و یک‌دست کردن زبان نوشته؛ 3— ابهام‌زدایی از

عبارت‌های نارسا، مبهم، متناقض، نامفهوم؛ 4— انتخاب برابره‌های مناسب برای واژگان غیرفارسی، حذف واژگان، تعبیر و اصطلاحات و عبارت‌های تکراری و زائد، ناقص، متضاد و ...؛ 5— کوتاه کردن جمله‌های طولانی؛ 6— گزینش واژگان فارسی و برابره‌های مناسب و

بنابراین، با توجه به مواردی که در ویرایش زبانی مطرح می‌شود، توجه به سبک نویسنده در متن امری لازم و ضروری می‌شود؛ چرا که ممکن است نویسنده ساختار و جمله‌بندی متفاوتی را برای اثر خود براساس محتوا و هدف مورد نظر برگزیند یا از زبان معیار عدول کند که همان سبک شخصی او را می‌سازد. افزون بر این، ممکن است واژگان خاص خود را داشته‌باشد که ویراستار باید آن را در نظر بگیرد. با توجه به این که محتوای اثر و حوزه کاربردی آن نوع و میزان ویرایش را مشخص می‌کند، از این رو در این پژوهش اختیارات ویراستار و جایگاه سبک در انواع متون منثور معاصر بر اساس حوزه محتوایی آن بررسی و تحلیل می‌شود. گفتنی است، پیش از این پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته و تنها آقای سمیعی در کتاب خود به آن اشاره فرموده‌اند.

ویرایش نثر فارسی و سبک

یکی از اقسام دوگانه سخن «نثر» است که در مقابل «شعر» قرار دارد. نثر به کلامی

گفته می‌شود که «در آن مفاهیم و معانی با وضوح و روشنی و رسایی و با نظم فکری و منطقی بیان می‌شود و تنها وظیفه لفظ در آن بیان معنی است» (صبور، 1384: 29) که این بیان معانی به طرق گوناگون صورت می‌گیرد و بر قواعد مشخصی استوار است. در واقع، این قواعد مشخص سبب می‌شود تا معانی بدون هیچ‌گونه انحرافی بیان شود و افکار و مفاهیم با رعایت موازین دستوری به خواننده منتقل شود. آنچه انواع نثر را شکل می‌دهد، شیوه برخورد زبان با همین معانی است. اگر این شیوه برخورد با زبان ثابت و از پیش تعیین شده، مطابق قواعد دستوری زبان همان دوره باشد، نثر شکل گرفته همان زبان معیار است؛ اما اگر این شیوه برخورد متضمن ابداع و نوآوری و فردیت در کاربرد زبان، یعنی هنجارگریزی باشد، مفهوم سبک شکل می‌گیرد. «مقصود از هنجارگریزی تفاوت‌هایی است که یک نوشته با زبان معیار امروزی دارد. این هنجارگریزی ممکن است در سطح آوایی، واژگانی و نحوی دیده شود» (رستگارفسایی، 1380: 48). البته هرگونه هنجارگریزی را نمی‌توان سبک نویسنده دانست و هر گونه انحراف از زبان معیار ارزش سبک‌شناسی ندارد. سبک به معنای گزینش آگاهانه یا ناآگاهانه از امکانات زبان در مرزهای شناخته شده است. در واقع یکی از عوامل مهم شکل‌گیری سبک، «تکرار» و «تداوم» است. به گفته فتوحی، «یکی از شاخصه‌های مهم سبک مسئله تکرار و تداوم رفتارهای زبانی خاص در یک پیکره متنی است. سبک، زمانی هویت پیدامی‌کند که تکرار و تداوم عناصر صوری، محتوایی در سخن یک گوینده محسوس باشد» (فتوحی، 1390: 48)؛ بنابراین، اگر نویسنده‌ای از یک کاربرد زبانی به‌طور محدود و اتفاقی استفاده کند، سبک شکل نمی‌گیرد؛ چرا که برای حیات سبک «باید صورت‌هایی از یک کاربرد زبانی در گفتار شخص «به حد کثرت» برسد و تداوم یابد. البته این تکرار باید طبیعی باشد، به گونه‌ای که به صورت یک عادت زبانی پذیرفتنی باشد» (همان: 49).

به این ترتیب، یکی از راه‌های شناخت سبک نویسنده، مقایسه نثر نویسنده با زبان معیار همان دوره است. در زبان معیار، کمترین نشانه‌ای از مشخصه‌های فردی وجود ندارد و قواعد دستوری در آن کاملاً رعایت می‌شود. این زبان معیار به الگویی می‌ماند که مورد پذیرش بیشتر جامعه زبانی است و باید نویسندگان هنگام نوشتن به آن توجه داشته باشند. با وجود این، گاهی ممکن است مطالبی که نویسندگان به زبان فارسی می‌نویسند، از نظر واژگان و ساختار دستوری، خطاها و نارسایی‌هایی داشته باشد و مطابق زبان معیار نباشد. از این‌رو، نوشته‌های آن‌ها به ویرایش نیاز دارد. ویرایش عبارت است از «پیراستن نوشته از نارسایی‌ها و خطاهای علمی یا زبانی و تنظیم آن برحسب مبانی منطقی و اصلاح خطاهای واژگانی و دستوری بر اساس معیارهای زبان» (ارژنگ، 1390: 13) که انواع متفاوتی دارد؛ چرا که همه آثار سبک نوشتاری یکسانی ندارد؛ لذا ویراستار باید با در نظر گرفتن سبک نوشته و محتوای اثر به ویرایش آن دست بزند. به طور کلی، هر اثری باید از سه جنبه فنی، ساختاری - محتوایی و زبانی بررسی شود.

ویرایش فنی به صورت اثر توجه دارد و به کارهایی چون اصلاح غلط‌های املائی، یک‌دست کردن رسم‌الخط کلمات، بررسی ارجاعات، کنترل اندازه قلم و حروف، عنوان‌ها و تیتراها، بررسی شرح جدول‌ها و نمودارها و ... اختصاص دارد. ویرایش محتوایی نیز به محتوای اثر توجه دارد و به کارهایی چون حذف، تلخیص مطالب، اصلاح، افزایش، بازبینی و تصحیح مطالب نادرست و ... اختصاص دارد؛ اما ویرایش زبانی به رفع خطاهای دستوری، اصلاح انحراف از زبان معیار، رفع ابهام و تعقید از عبارت‌های نارسا، یک‌دست کردن زبان نوشته و از بین بردن ناهمواری‌ها و ناهماهنگی‌های سبکی و ... توجه دارد.

یکی از مباحث مهمی که در ویرایش زبانی مطرح می‌شود، توجه به سبک نویسنده و از بین بردن ناهماهنگی‌های سبکی است که این توجه بسته به نوع اثر و محتوای آن متفاوت است؛ چرا که به اندازه تعداد نویسندگان انواع نثر وجود دارد که هر یک ویرایش خاص خود را می‌طلبد. با توجه به اینکه در دوره معاصر نثرهای متفاوتی چون نثر داستانی، علمی - تحقیقاتی، روزنامه‌ها و مجلات، مقاله‌ها و نامه‌ها و ... وجود دارد؛ لذا در ویرایش آثار باید به محتوای آن‌ها توجه داشت و سبک نویسنده را در هر یک از نظر دور نداشت. سمیعی معتقد است، «ویراستار مجاز نیست در ویرایش اثر سبک بیان صاحب اثر را تغییر دهد؛ البته این در حالتی است که صاحب اثر واقعاً صاحب سبک باشد» (سمیعی، 1383: 137). به نظر می‌رسد، حدود اختیارات ویراستار در هر یک از انواع نثر متفاوت باشد. از این‌رو، چگونگی ویرایش را در هر یک از انواع نثر دوره معاصر بررسی می‌کنیم؛ چرا که این دوره از پربرترین و متنوع‌ترین ادوار ادبی فارسی است و به گفته صبور، «قرن معاصر که همراه با انقلاب مشروطیت است، از نظر دگرگونی‌های نوع و شکل و محتوای شعر و نثر بی‌سابقه است» (صبور، 1384: 79). به این ترتیب، جایگاه سبک را در ویرایش انواع نثر معاصر بررسی می‌کنیم که عبارت‌اند از: نثر متون داستانی، نثر پژوهشی و تحقیقاتی، نثر ترجمه و نثر روزنامه‌ای.

ویرایش در متون ترجمه

ترجمه آثار گوناگون به زبان فارسی پیشینه دیرینی دارد و از دیرباز در ایران رواج داشته است؛ اما از اواسط دوره قاجار به دلایلی، چون گسترش روابط ایران با کشورهای غربی، اعزام محصلان به اروپا و آمدن جهانگردان و معلمان و ... به کشور رواج بیشتری یافته است؛ لذا آثار متعددی به زبان های گوناگون ترجمه شده است.

«در گذشته، مترجمان چندان در ترجمه آثار به امانت و وفاداری به متن اصلی مقید نبودند و در حقیقت ترجمه های آنان نوعی تالیف و اقتباس بود؛ ولی ترجمه های امروز به لحاظ نثر ساده و امانتداری و رعایت سبک نویسنده اصلی در طول ادبیات فارسی بی نظیرند» (شمیسا، 1387: 255).

به طور کلی، در ترجمه هر اثر باید به سه شرط مهم و اصلی توجه شود:

1- آشنایی مترجم با زبان مبدأ و مقصد؛

2- رعایت امانت؛

3- آشنایی با اندیشه و دید نویسنده.

دکتر احمدی گیوی، نخستین شرط یک ترجمه خوب را آشنایی و تسلط مترجم به هر دو زبان می داند تا درک مطالب اصلی دچار خطا و لغزش نشود و ترجمه اثر انشایی روان و صحیح داشته باشد. ایشان معتقد است، شرط دیگر ترجمه خوب هر اثر رعایت امانت مترجم است که عین مقصود نویسنده را بی کم و کاست و بدون تعریف یا دخالت دادن ذوق و میل شخصی و با نهلیت دقت ترجمه کند (احمدی گیوی، 1378: 61). در این جا مبحث سبک نویسنده مطرح می شود که باید به آن توجه داشت. به نظر می رسد، مترجم اگر شخص صاحب نامی باشد که سبک نوشتاری خاص خود را داشته باشد، در ترجمه آزاد آثار می تواند با حفظ اصالت کلام به سلیقه و ذوق شخصی در ترجمه دخل و تصرف کند؛ چراکه در ترجمه آزاد نویسنده خود را ملزم به رعایت صحت و دقت ترجمه نمی داند؛ اما رعایت نکاتی در سطوح لفظی، نحوی و معنایی در ترجمه اهمیت بسیاری دارد. در سطح لفظی مترجم باید به ترجمه واژه ها دقت کند و برابر مناسبی را برای واژه های بیگانه برگزیند.

برای نمونه: نقطه نظر = دیدگاه فهمیدن = درک کردن

در سطح معنایی نیز باید واژه مناسب را با توجه به جمله انتخاب کند؛ چرا که یک کلمه معانی گوناگونی دارد و در هر جمله ای با معنای ویژه ای به کار می رود.

برای نمونه، می توان صورت صحیح فعل «بها دادن» را در جمله مردم به فرهنگ ایرانی خود بها می دهند، به کار برد و گفت: مردم به فرهنگ ایرانی خود اهمیت می دهند.

در سطح نحوی هم باید به الگوهای نحوی و ساختاری جمله ها در زبان مقصد توجه کند.

برای نمونه، ترجمه حرف تعریف «a» به یک در فارسی زاید است یا استفاده از ساخت مجهول به جای معلوم جایز نیست و صفت و موصوف از نظر تعداد و مذکر و مؤنث مطابقت نمی کند.

با وجود این، بسیاری از مترجمان، گاهی هنگام ترجمه با هدف فضل فروشی و تفاخر به سراغ واژه های بیگانه می روند و الگوهای ساختاری زبان مقصد را به کار می برند که این کار، از جمله آفات زبان به شمار می آید. از این رو، مترجمان و

مؤلفان باید بکوشند «با بهره‌گیری از امکانات ترکیبی یا اشتقاقی، واژه‌های تازه با ساختی منطبق بر قواعد دستوری زبان بسازند» (سمیعی، 1385: 179).

به این ترتیب، در ویرایش متون ترجمه باید به واژه‌ها و الگوهای ساختاری توجه کرد و با به‌کار انداختن قوه‌ی خلاقیت زبانی واژگان و ترکیبات شیوا به کار برد. افزون بر این، در ویرایش این متون نباید عناصر دستوری و الگوهای بیانی را از نظر دور داشت؛ چراکه بی‌توجهی به این عناصر و الگوها موجب پیچیدگی و تعقید کلام می‌شود. بنابراین، مترجم موظف است با رعایت قوانین دستوری و زبان معیار متن اصلی را با رعایت امانت ترجمه کند. در اینجا نمونه‌ای از متن ترجمه شده را می‌آوریم و حدود اختیارات ویراستار را در آن بررسی می‌کنیم.

«در بسیاری از سازمان‌ها دانش تنها مختص برخی از کارشناسان است و زمانی که این افراد از سازمان خارج می‌شوند، دانش آن‌ها نیز به همراهشان سازمان را ترک می‌کند. با بهره‌گیری از ابزارهای مناسب می‌توان اطلاعات و آموخته‌های کارشناسان را استخراج نمود. برای این منظور، می‌توان در اطراف کارشناسان گروه‌هایی را برای دریافت و ثبت دانش آن‌ها ایجاد کرد تا دانش استخراج شده از آن‌ها را به گروه‌های دانش منتقل کنند» (همان).

در این متن ترجمه شده، برخی اصول رعایت نشده‌است که ویراستار باید آن را اصلاح کند. از جمله این که نهاد در آغاز جمله نیامده‌است. با توجه به این که در زبان فارسی نهاد در آغاز جمله می‌آید، در این متن متمم بدون هیچ هدفی پیش از نهاد آمده‌است و مترجم به این ویژگی زبان فارسی توجه نکرده‌است؛ همچنین، در جمله «دانش آن‌ها نیز به همراهشان سازمان را ترک می‌کند»؛ به اشیا شخصیت بخشیده شده‌است. «در برخی از زبان‌ها، از جمله فرانسه و انگلیسی، اعمالی که خاص انسان است به اشیا نیز نسبت داده می‌شود. در زبان فارسی، این معنی تنها در حوزه شعر یا نوشته‌های شاعرانه دیده می‌شود. در نثر به خصوص نوشته‌های منثوری که صبغه شعری و ادبی ندارند، شخصیت بخشیدن به اشیا متداول نیست» (سمیعی، 1385: 181).

افزون بر این، جملات این متن ساختار روشن و مناسبی ندارد و با نیاوردن به‌جا و مناسب ضمیر در جمله، ابهام وجود دارد.

برای نمونه، در این قسمت جمله که می‌گوید «تا دانش استخراج شده از آن‌ها را به گروه‌های دانش منتقل کنند»، مشخص نشده‌است که چه کسی وظیفه انتقال دانش را بر عهده دارد؛ از این رو لازم است با آوردن ضمیر در جای مناسب، ابهام و پیچیدگی را از جمله زدود.

به‌طور کلی می‌توان گفت، ویراستار در ویرایش متون ترجمه، باید تغییری در محتوای اثر ایجاد نکند و با مقابله ترجمه با متن اثر، آن را از نظر ویرایش زبانی و فنی مورد بررسی قرار دهد، به گونه‌ای که به سبک نویسنده و اثر ضربه‌ای وارد نکند.

ویرایش در نثر علمی – پژوهشی

یکی از انواع متعدد نثر معاصر، نثر علمی – پژوهشی است. نثر پژوهشی یا دانشگاهی به نثری گفته می‌شود که «برآمد پژوهش‌های علمی، تاریخی، ادبی، فلسفی و مانند آن‌ها را دربرداشته‌باشد» (صبور، 1384: 543). این نوع نثر حامل

پیام‌های علمی و پژوهشی است و کمتر به چاشنی هنر آراسته‌است؛ از این‌رو مفاهیم و عبارات خبری با رعایت اصول دستوری و به درستی و سادگی بیان می‌شود.

در نثر پژوهشی، نویسنده با دقت بسیار واژه‌ها و جملات را انتخاب می‌کند و کلمات فصیح و خوش‌آهنگ و فاخر را برمی‌گزیند. همچنین، می‌کوشد به دور از حاشیه‌پردازی لبّ مطلب را بگوید و از آراستن متن به فنون ادبی بپرهیزد؛ چراکه در این نوع نثر هدف نویسنده انتقال معنا به مخاطب است. از این رو، نویسنده می‌کوشد مخاطب را از نزدیک‌ترین راه به معنا برساند. در این نوع نثر سبکی که نویسنده برای اثر پژوهشی خود برمی‌گزیند، معرف مخاطبان اثر است و هدف استفاده‌کنندگان را نشان می‌دهد. به عبارتی، سبک جزء جداناپذیر مفهوم است و بیشتر چیزهایی که برای مجامع دانشگاهی نوشته می‌شود، باید از سبک رسمی پیروی می‌کند.

با وجود این، در نوشته‌های علمی و پژوهشی بسیاری از نویسندگان صاحب‌نام، سبک شخصی به چشم می‌خورد و نثر این نویسندگان به دلیل بازتاب فردیت، ساختار متمایزی نسبت به دیگران دارد و ویژگی خاص نویسنده را بازتاب می‌دهد؛ اما به راستی چون نثر علمی و پژوهشی چندان مجال خلاقیت و هنر را به نویسنده نمی‌دهد؛ از این‌رو سبک فردی نویسنده حضور چشمگیری ندارد و نثر بیشتر تابع زبان معیار است.

به این ترتیب، ویراستار در ویرایش متون علمی و پژوهشی باید اصول و ضوابط زبان معیار را در نظر بگیرد و به ساختار و معنی واژه‌ها و جملات توجه کند؛ همچنین، آن را از نظر محتوایی بررسی و نواقص آن را رفع کند. به راستی، در نثر تحقیقی و دانشگاهی، اهمیت ویرایش محتوایی بیش از دیگر انواع ویرایش است و ویراستار می‌تواند در صحت محتوای متن تردید کند و صورت صحیح و متن درست را بنویسد. افزون بر این، در این نثر ویرایش فنی و دقت در نشانه‌گذاری اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا یک‌دست کردن زبان نوشته و رسم‌الخط مناسب و علائم نگارشی دقیق و بجا در تفهیم مفاهیم دقیق علمی بسیار مؤثر است؛ اما ذوالفقاری معتقد است، «گاه برای حفظ اصالت نثر ناچاریم از ویرایش‌های مختصر هم بپرهیزیم، به ویژه اگر مؤلف یا اثرش صاحب شهرتی باشد، حق اصلاح خطاهای مسلم یا هماهنگ‌سازی نگارش کلمات با شیوه‌های امروز را هم نداریم؛ یعنی ویرایش فنی هم محدود می‌شود» (ذوالفقاری، 1390: 22).

به‌طور کلی، می‌توان اثر تحقیقی - علمی را از نظر ویرایش فنی و زبانی و محتوایی بررسی کرد؛ اما نباید سبک نویسنده را تغییر داد؛ به‌ویژه زمانی که نویسنده استاد و صاحب‌سبک است. در این‌جا کار ویراستار بسیار محدود است؛ چراکه نویسنده ضمن آشنایی با قواعد زبان، سبک و طرز خاص خود را دارد.

نمونه‌ای از نثر پژوهشی و علمی

«به دلایلی که اکنون جای یاد کردن آن نیست، فردوسی سراسر شاهنامه، از بخش‌های اساطیری گرفته تا بخش‌های حماسی و تاریخی را تاریخ مدون ایران می‌دانسته و تمام داستان‌های آن را منطبق با حقیقت می‌پنداشته و از همین روی امانتی حیرت‌انگیز در نقل و منظوم ساختن آن رعایت کرده‌است» (محبوب، 1378: 61).

در این متن، به وضوح و فور وجه وصفی دیده می‌شود که با بررسی آثار دکتر محمدجعفر محبوب، به این نتیجه می‌رسیم که استفاده از وجه وصفی جزء سبک نوشتاری ایشان به شمار می‌آید؛ چراکه این مشخصه تکرار و تداوم دارد و

به حد کثرت رسیده است. به این ترتیب، نمی توان سبک محبوب را تغییر داد. در این جا اختیارات ویراستار در حد یک دست کردن زبان نوشته و بررسی رسم الخط، کوتاه کردن جملات طولانی و رفع خطاهای دستوری و ساختاری و از این قبیل است.

ویرایش در نثر داستانی و رمان

«داستان نویسی به مفهوم جدید اروپایی آن که شامل دو نوع داستان کوتاه و بلند می شود، در دوران جدید مهم ترین مصداق نثر نویسی است» (شمیسا، 1387: 253).

این نوع نثر در گذشته به شکل شفاهی رواج داشته و سینه به سینه نقل شده است تا امروزه به شکل نوشتار درآمد است و گونه رایج نثر به شمار می آید (صبور، 1384: 299). «با توجه به این که از دوران مشروطه به بعد، ادبیات فارسی تمایل بیشتری به نثر به ویژه در قالب داستان دارد. به این ترتیب، دوره نوین، دوره پرباری از نظر نثر داستان و رمان نویسی است. در این نوع نثر بسیاری از ویژگی های نثر شفاهی دیده می شود؛ چراکه در ابتدا به صورت شفاهی در میان مردم رایج بوده و بعداً نوشته شده است؛ بنابراین، بسیاری از خصوصیات شکل شفاهی خود را حفظ کرده است و نثر آن ها شیوه گفتار دوران نوشته شدن آن ها را نشان می دهد» (رستگارفسای، 1380: 94).

به این ترتیب، چون شیوه گفتار از زبان مردم سرچشمه می گیرد، درک آن برای همه آسان است. در این نوع نثر، جمله ها ساده و کوتاه و گاه بریده بریده است. اغلب در آن واژه ها و گاه افعال تکرار می شود. نثر داستانی از آرایش لفظی خالی است و تعبیرهای مجازی که در آن به کار می رود، دور از ذهن و پیچیده نیست (همان: 93). افزون بر این، به زبان معیار نزدیک است و ویژگی های آن را دارد. ویژگی های مذکور در نثر داستان و رمان ها معمول است؛ اما هر نویسنده ای برای اثر خود سبک خاصی را برمیگزیند و روش ویژه ای برای نحوه بیان اندیشه خود انتخاب می کند. گاهی نویسندگان بر حسب تشخیص خود و به منظور تأثیر بیشتر سخنان شان، طرز خاصی را برای نوشته خود به کار می برند؛ برای نمونه، اجزای کلام را تغییر می دهند و جابه جا می کنند که به گفته شاهری لنگرودی این جابه جایی باید با مجوزهای دستوری انجام گیرد تا خللی در پیام رسانی به وجود نیاید (شاهری لنگرودی، 1382: 228).

ویراستار در ویرایش این متون می تواند برخی ویرایش های زبانی را انجام دهد؛ ولی رعایت سبک نویسنده به ویژه در گفت و گوهای شخصی های داستان اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا به گفته ذوالفقاری ممکن است نویسنده گفتاری نادرست، ولی رایج را از شخصیت داستانش نقل کرده باشد (ذوالفقاری، 1390: 21).

برای نمونه، صادق هدایت که رمان نویس و داستان نویس مشهوری در دوره معاصر است، سبک خاص خود را دارد؛ از این رو، ویراستار برای ویرایش آثار این نویسنده باید ابتدا ویژگی های نثر او را خوب بشناسد و با سبک نوشتاری او آشنایی کامل داشته باشد؛ سپس طبق قواعد دستوری و مسائل ویرایش به ویرایش آثار هدایت همت بگمارد.

به گفته صبور، شیوه نگارش صادق هدایت بسیار تأمل برانگیز است؛ چرا که شیوه او به روش هیچ یک از داستان نویسان همانند نیست؛ از این رو، می توان او را نویسنده صاحب سبکی دانست که اگرچه در شیوه نویسندگان پس از خود به گونه چشمگیری نفوذ داشته؛ ولی شیوه او هنوز تقلیدناپذیر مانده است (صبور، 1384: 366).

با نگاهی به نوشته‌های هدایت به این نتیجه می‌رسیم که او هرآنچه در ذهن خود دارد، به زبان ساده و روشن بیان می‌کند؛ به گونه‌ای که زبان نوشته‌های هدایت به زبان عامیانه بسیار نزدیک است؛ از این رو ارکان جمله در داستان‌های او مانند زبان محاوره نوشته می‌شوند؛ واژه‌های کوچک و بازاری بسیار به کار می‌رود، اصطلاحات عامیانه که گاهی برساخته خود صادق هدایت است، به وفور دیده می‌شود. «است» در بسیاری از جملات حذف می‌شود و صفت مفعولی بسیار به کار می‌رود. ویژگی دیگری که در نوشته‌های هدایت دیده می‌شود، کوتاهی جملات است. او با آوردن به موقع فعل، پیام خود را سریع به خواننده منتقل می‌کند که این ویژگی در ویرایش زبانی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا یکی از مسائل مهم این نوع ویرایش کوتاه کردن جملات طولانی است.

ویرایش در نثر روزنامه‌ها و مجلات

یکی از انواع نوشته بر اساس حوزه محتوایی اثر و مخاطبان آن، «نوشته‌های مطبوعاتی» است که خود انواع متعددی دارد؛ از جمله سرمقاله، مصاحبه، گزارش، خبر و ...

مراد از «نوشته‌های مطبوعاتی، انواع نوشته‌هایی است که در روزنامه‌ها و مجلات و دیگر نشریات ادواری درج و عامه مردم، از قشرها و سطوح فرهنگی گوناگون، مخاطبان آن‌ها فرض می‌شوند» (سمیعی، 1383: 29).

به گفته زاهدی، «مطبوعات عبارت‌اند از: نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند» (زاهدی، 1389: 141).

بنا بر تعریف مذکور و با توجه به زمینه‌های مختلف برای انتشار نشریات و مخاطبان عام آن، رعایت یکسری اصول بنا به مقتضیات زمان و مکان ضروری است؛ از جمله استفاده از زبان مناسب برای طرح موضوعات که خصوصیات مشترک همه نوشته‌های مطبوعاتی به شمار می‌آید. گفتنی است؛ «زبان معیار اعم از گفتاری و نوشتاری فاصله میان فرستنده پیام را با گیرنده آن کم می‌کند و هرگونه انحراف از این زبان، کناره‌گیری از مخاطبان عام است» (بابایی، 1390: 44).

برای نوشته‌های مطبوعاتی که مخاطبان آن عام هستند، استفاده از زبان معیار ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و مناسب‌ترین زبان برای اطلاع‌رسانی و انتقال پیام به مخاطب است که اصلی‌ترین کارکرد نوشته‌های مطبوعاتی به شمار می‌آید؛ به عبارت بهتر، زبانی که برای این نوع از نوشته‌ها انتخاب می‌شود، باید متناسب با میزان درک و فهم مخاطب باشد (توکلی، 1383: 20)؛ البته هر یک از انواع این نوشته‌ها به مقتضای کار ویژه خود ویژگی‌های خاصی دارند که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند؛ برای نمونه زبان سرمقاله که یکی از انواع نوشته‌های مطبوعاتی است، باید متین، باصلاحت و مؤثر باشد؛ چراکه سرمقاله «سخن‌گوی روزنامه است؛ لذا در نگارش آن باید جانب حزم و احتیاط رعایت شود» (سمیعی، 1383: 29). یا مصاحبه که زبان آن گاه خودمانی و صمیمی و گاهی رسمی و با مراعات نزاکت سیاسی و تشریفاتی است که بسته به نوع شخص مصاحبه‌شونده و هدف آن متفاوت است. در گزارش نیز که می‌توان آن را به دو نوع گزارش خبری و غیرخبری تقسیم کرد، زبان آن رنگین و با استفاده از چاشنی ذوق و شیرین و دل‌چسب است و در آن باید برای توصیف زنده و فضا سازی و تأثیرگذاری بر مخاطب از فنون بلاغی در حد اعتدال استفاده شود.

در واقع، می‌توان گفت نثر روزنامه‌ای یکی دیگر از انواع نثر دوره معاصر است که پیوند نزدیکی با زبان محاوره دارد. این نثر از دوره قاجار در ایران رواج پیدا کرد و پس از انقلاب مشروطیت روزبه‌روز بر رونق و رواجش افزوده‌شد. نثر روزنامه‌ای اهداف گوناگونی، از جمله؛ بیان رخدادها، ارائه انتقادهای اجتماعی، گزارش مسائل گوناگون، توضیح حوادث و ... دارد که نویسندگان آن با توجه به هدف مورد نظر ویژگی‌ها و اسلوب خاصی را برای نوشته خود بر می‌گزینند. روزنامه بنا بر طبیعت و هدف آن که آگاه‌کردن مردم جامعه از رخدادهای گوناگون است، نثر ساده، روان و همه‌فهمی دارد؛ یعنی تکلفی در آن دیده‌نمی‌شود و فهم آن برای مردمان عادی جامعه دور از ذهن نیست که به گفته صبور همین ویژگی نثر روزنامه‌ای در دگرگونی نثر فارسی و حرکت به سمت سادگی و روانی تأثیر چشمگیری داشته‌است (صبور، 1384: 137).

افزون بر این، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نثر روزنامه، شتابزدگی آن است که با اشکالاتی همراه است. با توجه به این‌که فرصت چندانی برای ویرایش این آثار وجود ندارد؛ از این‌رو مهارت نویسنده در آن بسیار مهم است. با وجود این، تا جای امکان لازم است متن‌های روزنامه‌ای و رسانه‌ای با دقت اصلاح‌شود؛ چراکه در شمارگان بالا چاپ می‌شود و در اختیار همه قرار می‌گیرد. در این نوع نثر، افزون بر ویرایش محتوایی و ویرایش فنی اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا در این ویرایش رسم‌الخط کلمات بررسی می‌شود، غلط‌های املائی اصلاح، نشانه‌گذاری اعمال و کالبد اثر بررسی می‌شود؛ اندازه و قلم حروف، تیرهای اصلی و فرعی و عناوین بررسی می‌شود که در نثر روزنامه به منظور جذب مخاطب اهمیت بسیاری دارد؛ در حقیقت، در روزنامه ابزارهایی به کار گرفته می‌شود تا متنی جالب توجه و اثرگذار خلق‌شود و مناسب حال مخاطب باشد. سمیعی بر این عقیده است که چون مخاطب مواد روزنامه‌ای مردم هستند؛ از این‌رو طرز بیان باید در آن‌ها جاذب، ساده و روان باشد؛ همچنین، لازم است با شواهد و امثال و تمثیل و همین‌طور قیاس‌های خطابی پرورده شده‌باشد. در این نوع نثر، ازدحام معانی و اندیشه‌ها مطلوب نیست و بهتر است یک فکر اصلی با تشریح و توضیح بسط داده‌شود (سمیعی، 1385: 141).

نمونه‌ای از نثر روزنامه‌ای

«مصرف انرژی در ایران 4 برابر اروپا»

با وجود کاهش شدت مصرف انرژی در ایران، مصرف در بخش ساختمان و مسکن کشور چهار برابر کشورهای اروپایی است. رئیس هیئت مدیره شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت گفت: بر اساس آمارهای سازمان بین‌المللی انرژی، شدت مصرف انرژی ایران به نسبت سه سال پیش کاهش قابل‌توجهی داشته‌است؛ اما با وجود دستیابی به این موفقیت، متأسفانه مصرف انرژی در بخش ساختمان و مسکن کشور چهار برابر میزان این شاخص در اروپاست.»

در این نمونه، تیترا انتخاب‌شده به منظور جلب توجه و اثرگذاری بیشتر به صورت مصدر آمده‌است. جملات بسیار ساده و همه‌فهم است؛ همچنین، توضیحات پیرامون بسط و گسترش یک موضوع است و مطالب گوناگون در آن نیامده‌است؛ اما از علائم نگارشی در این متن بسیار کم استفاده شده‌است که ویراستار فنی موظف به اصلاح آن و بررسی رسم‌الخط آن است؛ همچنین، اندازه فونت متن تیترا باید مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

ویرایش مجموعه فعالیت‌هایی است که به منظور درستی، رسایی و زیبایی گونه نوشتاری زبان انجام می‌گیرد. با توجه به این که ضرورت‌های ویرایشی هر اثر با اثر دیگر بسته به سبک نویسنده و عوامل دیگر فرق دارد؛ لذا همه آثار نیازمند نوعی از ویرایش هستند. آنچه در همه آثار با هر سبکی ضرورت دارد، ویرایش فنی است که به منظور هماهنگ‌سازی رسم‌الخط و علائم نگارشی، اصلاح ارجاع‌ها و رفع عادت‌های نامطلوب انجام می‌گیرد. دو نوع دیگر ویرایش، یعنی ویرایش زبانی و محتوایی در هر اثری متفاوت است و هر متنی اقتضای خود را دارد. در متن پژوهشی و علمی انجام هر سه نوع ویرایش اهمیت بسیاری دارد و دست ویراستار در بررسی کالبد اثر باز است. افزون بر این، می‌تواند با تردید در صحت مطالب، نوشته را از نظر محتوا و ساختار ویرایش کند؛ همچنین، این اختیار را دارد که خطاهای دستوری، ساختاری را رفع کرده و انحراف از معیار را اصلاح و زبان نوشته را یک‌دست کند. این اختیار در متون داستانی کمتر می‌شود و ویراستار تنها می‌تواند برخی ویرایش‌های زبانی را در متن اعمال کند؛ این محدودیت در گفت‌وگوهای شخصیت‌های داستان بیشتر است و ویراستار حق تغییر در سبک نویسنده را ندارد. در متون ترجمه نیز ویراستار باید تغییری در محتوای اثر ایجاد نکند و اثر را از نظر ویرایش زبانی و فنی بررسی کند، به گونه‌ای که ضربه‌ای به سبک نویسنده وارد نشود. افزون بر این، در ویرایش این متون نباید عناصر دستوری و الگوهای بیانی را از نظر دور داشت؛ زیرا توجه به این عناصر اهمیت دارد؛ اما در نثر روزنامه‌ای مهارت نویسنده است که اهمیت بسیاری دارد؛ چراکه به دلیل شتابزدگی آن فرصت چندانی برای اصلاح نیست؛ با وجود این، انجام برخی ویرایش‌های فنی و زبانی توصیه می‌شود؛ به عبارتی، گفتنی است برای ویرایش هر اثری توجه به صاحب اثر و سبک وی اهمیت بسیاری دارد و ویراستار نمی‌تواند سبک نویسنده ماهر را با وجود اشکالاتی تغییر دهد؛ زیرا بسیاری از هنجارگریزی‌ها در قلم نویسندگان توجیه‌پذیر است و ویراستار حق دخالت در آن را ندارد؛ بنابراین، ضرورت و میزان ویرایش در هر اثر با توجه به سبک نویسنده و حوزه محتوایی اثر متفاوت است و با ادبی‌تر شدن متن و استفاده نویسنده از سبک شخصی اختیارات ویراستار کمتر و با علمی‌تر شدن آن اختیارات ویراستار و ضرورت ویرایش بیشتر می‌شود؛ لذا شناخت دانش سبک لازمه ویرایش هر اثری است و ویراستاران باید به آن توجه کنند.

منابع و مأخذ

- 1- ابومحبوب، احمد، (1374)، *کالبدشناسی نثر*، تهران: نشر زیتون.
- 2- احمدی گیوی، حسن، (1378)، *ادب و نگارش*، چاپ هشتم، تهران: نشر قطره.
- 3- ارژنگ، غلامرضا، (1390)، *ویرایش زبانی برای زبان نوشتاری/امروزی*، تهران: نشر قطره.
- 4- ذوالفقاری، حسن، (1390)، *راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی*، چاپ دوم، تهران: نشر علمی.
- 5- رستگار فسایی، منصور، (1387)، *انواع نثر فارسی*، تهران: انتشارات هرمس.
- 6- سارلی، ناصرقلی، (1387)، *زبان فارسی معیار*، تهران: انتشارات هرمس.
- 7- سمیعی، احمد، (1385)، *نگارش و ویرایش*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- 8- شمیسا، سیروس، (1387)، *سبک‌شناسی نثر*، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میترا.

- 9- صبور، داریوش، (1384)، *از کاروان حله*.
- 10- غیائی، محمدتقی، (1368)، *درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری*، تهران.
- 11- فتوحی، محمود، (1390)، *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: انتشارات سخن.
- 12- محجوب، محمدجعفر، (1378)، *آفرین فردوسی*، چاپ دوم.
- 13- محمدی‌فر، محمدرضا، (1381)، *شیوه‌نامه ویرایش*، تهران.
- 14- وردانک، پیتر، (1389)، *مبانی سبک‌شناسی*، ترجمه محمد غفاری، تهران: نشر نی.